

گنج پنجاه ساله کلاته کامبوزیا

در گفتگو با

دکتر جعفر کامبوزیا

نماینده مردم زاهدان در دوره ششم مجلس شورای اسلامی

کورس نوروز مرادی

اشاره:

کتابخانه امیر توکل کامبوزیا با نیم قرن سابقه فعالیت، بزرگترین و مهمترین کتابخانه در استان سیستان و بلوچستان است؛ اما در اطراف آن تا کیلومترها سکنه‌ای زندگی نمی‌کند. نزدیک‌ترین سکنه این کتابخانه، خانه کتابدار این کتابخانه است که قبل از ورود به کتابخانه باید در ب‌خانه او را به صدا در آوری؛ درست مثل وقتی که می‌خواهید از همسایه تان چیزی را قرض بگیرید. دختر مرحوم امیر توکل در ب‌خانه پدرش را با خوشرویی به رویت باز می‌کند. هنگامی که وارد سالن مطالعه می‌شوی، حال و هوای علمی و فرهنگی ژرفی را احساس می‌کنی و ناخودآگاه مجبور می‌شوی به پیکری که در وسط سالن مطالعه آرمیده است، احترام بگذاری؛ قبر کسی که این کتابخانه را یک تنه ایجاد نموده است. با فرزند او، دکتر جعفر کامبوزیا نماینده مردم زاهدان در دوره ششم مجلس شورای اسلامی در این خصوص به گفتگو نشستیم:

مختصری از زندگی نامه استاد امیر توکل کامبوزیا



استاد کامبوزیا پسر مشیرالدیوان (بابا مشیر دیوان) در سال ۱۲۸۳ ش. در تهران متولد شد. اصالت وی از اکراد زعفرانلوی ساکن قوچان بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و مشهد گذراند و برای تحصیلات عالی عازم تاشکند شد و در بحران انقلاب روسیه به ایران بازگشت. وی مدرسه نظام ژاندارمری را زیر نظر «کنل محمدتقی خان پسیان»^۱ در خراسان سپری کرد. در سال ۱۳۰۰ ش. به علت لیاقت و شناختی که کنل پسیان از وی داشت، او را به ریاست تلگراف و مرموزات انتخاب کرد. پس از شهادت محمدتقی خان پسیان، کامبوزیا به حکم رضاخان به سیستان و بلوچستان تبعید شد.

وی از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۲ در مشاغل مختلف دولتی فعالیت داشت و از سال ۱۳۱۳ بیشتر وقتش را به مطالعه و تألیف کشاورزی پرداخت. در سال ۱۳۳۱ به پیشنهاد مرحوم دکتر مصدق به عنوان مسئول حزب ایران در استان منصوب شد، که دورانی پرزحمت و بافراز و نشیب‌های بسیار بود. با تبعید به محروم‌ترین استان کشور، نه تنها یأس و ناامیدی به دل راه نداد، بلکه با تلاش و همت بسیار شروع به سازندگی و آبادانی در کویری لم یزرع کرد و بهشتی را در دل کویر ایجاد نمود. چون عاشق کتاب و مطالعه بود، کتابخانه‌ای با عظمت در این شن‌زار بدون سکنه تأسیس و راه‌اندازی کرد. کلاته کامبوزیا در چهار کیلومتری مرکز استان سیستان و بلوچستان، سرزمین آبادی است که به همت این رادمرد خستگی‌ناپذیر ایجاد شده است و کتابخانه بزرگش هر چند از مرکز شهر دور و کمتر مورد توجه متولیان امور است، ولی سمبل تلاش و پایمردی انسان فرزانه و دلسوزی است که به نسل حاضر و جوانان این مرز و بوم درس مقاومت و سازندگی می‌دهد. وجود این مرکز فرهنگی در دل کویر نماد این است که در هر شرایطی و در هر مکانی آنچه که جامعه و مردم و هویت یک سرزمین را به تعالی می‌رساند، توجه به فرهنگ و علم و دانش است و بیانگر این است که اگر همت و جسارت و از خودگذشتگی باشد، می‌توان در دل تمامی انسان‌ها حتی کویریان محروم از امکانات، که در توزیع ثروت در لیست نهایی دریافت‌کنندگان قرار می‌گیرند، بذر

امید، علم و دانش را پراکند. چنانچه خود می‌گوید:

«برای بهبود زندگی، گام نخست قناعت است و تدبیر؛ دوم افزایش کار و تلاش و بهره‌گیری از نیروی انسانی افراد خانواده و قهرآ خانواده‌ای که کم‌بخورد و زیاد کار کند و اهمال‌سستی به خود راه ندهد، در زندگی موفق خواهد بود.»^۲

«استاد کامبوزیا سیستان و بلوچستان را دوست داشت، زیرا که غریبی و مظلومیت این دیار را دریافته بود. او می‌داند که مردمان این دیار وفادارند و اصالتشان را در سینه‌ها حفظ کرده‌اند. اما می‌داند که مردمان سیستان و بلوچستان نشانی از سال‌های ستم بر چهره دارند. کویر تشنه این دیار با استاد حرف می‌زند و دردش را فریاد می‌کند. این منطقه نیز دریافته بود که استاد فرزند خلف اوست و حامی او.»^۳ از این رو بسیاری از مردم این سرزمین برای حل مشکلات حقوقی خود، وی را طرف مشاوره قرار می‌دادند و از اطلاعات و دانش وی در کسب حق و حقوق خود بهره‌مند می‌شدند و او با آغوش باز به درد مردم رسیدگی می‌کرد و در این راه از هیچ کمکی در حق آنها دریغ نمی‌کرد.

امید است که رهروان راه استاد با گرامی داشت یاد و خاطره عزیز او، نام بلندش را همواره با عشق به کتاب و کتابخانه جاویدان سازند. امید که کتابخانه و مجموعه استاد کامبوزیا در چهار کیلومتری شهر زاهدان و در قلب کویر چون نام بلند او که گوهری یکدانه بود به عنوان یک مرکز بزرگ علمی و فرهنگی رونق یابد و بدرخشد...»^۴ اگر کتابی در مورد زحمات و تلاش‌های او به رشته تحریر در نمی‌آوریم و اگر یادواره‌ای برای او برپا نمی‌کنیم و اگر چون «فرانسوا بالزام» دانشمند فرانسوی که با یک بار دیدن استاد، شیفته افکار و اندیشه‌هایش می‌شود و از تلاش و خستگی‌ناپذیری او و اطلاعات و نظریاتش در مورد کشاورزی و تاریخ کهن این سرزمین، کتابی با عنوان «تبه مجهول و نظریه کامبوزیا» به زبان فرانسه می‌نویسد و او را با دانشمند فرانسوی پیرلویی برابر می‌کند، قدردانی نمی‌کنیم، حداقل به رسم و وظیفه در شناسایی و معرفی او به نسل جوان امروز که سخت نیازمند چنین الگوهای هستند یاد و خاطره‌اش را به مناسبت‌های گوناگون زنده نگه داریم و زحمات او را که در راه اعتلای اسلام و حراست از میهنش و حمایت از مردم، جانش را فدا کرد، ارج بنهیم.



گفتگو با دکتر جعفر کامبوزیا

سؤال: جناب دکتر ابتدا قدری در مورد مرحوم پدر بزرگوارتان استاد کامبوزیا بفرمائید.

ج: پدرم در تهران متولد شدند، خانواده پدرشان از کردهای قوچان مقیم تهران و مادرشان هم از اهالی قفقاز بودند. متأسفانه پدرش را در سن کودکی از دست می‌دهد و مجبور می‌شود با مادر و برادرشان زندگی را سپری کند. نقل است که استاد از کودکی نبوغ بالایی داشتند. لذا مادرشان که سرپرستی کودک را عهده‌دار بودند، تصمیم می‌گیرند معلم و مربی خصوصی برای ایشان بگیرند. استاد کامبوزیا تحصیلات ابتدایی را در تهران مدرسه علمیه واقع در خیابان گلشن و مدرسه رحیمیه مشهد و دوره متوسطه را در دبیرستان احمدی مشهد گذراندند.

سؤال: در مورد پدر استاد اطلاعاتی دارید؟

ج: بله، پدر ایشان، مشیرالدیوان (بابا مشیر) نام داشت و از مخالفین حکومت وقت بودند. همین امر باعث شد که او هم مانند پسرش امیرتوکل کامبوزیا، مسموم و مقتول گردد.

سؤال: چطور شد استاد سر از روسیه درآوردند؟

ج: ایشان برای ادامه تحصیلاتشان عازم تاشکند گشته و در هفده سالگی موفق می‌شوند تحصیلاتشان را در رشته تاریخ علوم سیاسی به پایان برسانند و در سال ۱۳۰۰ش. نیز به ایران بازگردند.

سؤال: بنابراین ایشان باید در سال ۱۲۸۳ش. به دنیا آمده باشند؟

ج: بله. احتمالاً در همین سال به دنیا آمدند.

سؤال: استاد چگونه با کلنل محمدتقی خان پسیان مرتبط شدند؟

ج: پدرم پس از اتمام تحصیل در آغاز جنگ اول جهانی از تاشکند از طریق راه ترکستان با سختی فراوان به قوچان می‌آیند و زمانی که کلنل محمدتقی پسیان رئیس ژاندارمری خراسان و سیستان بودند، ایشان را به عنوان تلگرافچی مخصوصشان انتخاب می‌نمایند. شش ماه بعد که کلنل کشته می‌شوند، همه کسانی که با او همکاری داشتند تحت تعقیب قرار می‌گیرند. لذا ایشان هم مورد تعقیب قرار می‌گیرند.

سؤال: چطور شد که استاد برای همیشه در خاک زاهدان ماندگار شدند؟

ج: پدرم پس از مرگ کلنل به مدت هفت سال ریاست مالیه زاهدان را بر عهده داشتند. این خود

یکی از دلایلی بود که ایشان در زاهدان مقیم شوند.

سؤال: چه سال‌هایی ایشان این مسئولیت را به عهده داشتند؟

ج: بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۷ش. پس از آن مدتی را در مدرسه شکوهیه بیرجند دبیر بودند و زبان فرانسه تدریس می‌کردند، ایشان به پنج زبان: روسی، عربی، فرانسه، ترکی و انگلیسی نیز تبحر کامل داشتند. از سال ۱۳۱۲ شمسی به طور رسمی اجازه خروج از زاهدان را نداشتند و مجبور بودند در همین شهر بمانند.

سؤال: چه سالی ایشان موفق به تأسیس این کتابخانه، آن هم در چنین منطقه کویری شدند و علت اصلی این اقدام چه بود؟

ج: علت اصلی آن بود که استاد پس از تبعید به زاهدان به دو کار عمده پرداختند: نخست مطالعه و تحقیق و جمع‌آوری منابع کتابخانه‌ای و دوم کشاورزی. در کشاورزی ایشان زمینی کویری و شنی را در منطقه کاریز شوی زاهدان انتخاب کردند و شروع به آبادی آن نمودند. این منطقه کویری بعدها با کوشش پدر به یک منطقه سرسبز با کشاورزی خوبی تبدیل شده است. در ضمن این کتابخانه در دوره پهلوی اول و با مجموعه کتاب‌های شخصی پدر و آثاری که از سراسر جهان به ایشان ارسال گردیده بود، پایه‌ریزی و تأسیس شد.

سؤال: به نظر می‌رسد از این دو کار عمده، یعنی تأسیس کتابخانه و کار کشاورزی، حضرت‌تعالی به پیروی از رشته تخصصی پدر در کشاورزی تا مقطع دکتری ادامه تحصیل دادید؟

ج: شاید یکی از دلایل ادامه تحصیل این جانب در رشته کشاورزی، تجربه عمیق پدر در کار کشاورزی بوده باشد. و خواهرم نیز در حوزه کتاب و کتابداری راه پدرم را پیش گرفت.

سؤال: چه آثاری در این کتابخانه نگهداری می‌شود؟

ج: مجموعه‌هایی غنی از کتب لاتین، فارسی، نشریات ادواری، کتب چاپ سنگی، اسناد و غیره...

سؤال: کتابخانه از سیاست مجموعه‌سازی به خصوصی پیروی می‌کرده است؟

ج: بله. این کتابخانه براساس گرایش‌های مطالعاتی پدر، مجموعه‌سازی شده است و موضوعات تاریخ، اسلام، علوم سیاسی و کشاورزی و غیره را در بر می‌گیرد.

سؤال: اما معروف است این کتابخانه مهمترین و قدیمی‌ترین کتابخانه صهیونیسم‌شناسی ایران است؟

ج: پدر از نخستین کسانی بودند که درباره اسرائیل و صهیونیسم مطالعات عمیقی انجام دادند؛ در نتیجه مجبور بودند در دوره پهلوی دوم کلیه منابع این حوزه را جمع‌آوری نمایند. ایشان ضمن مطالعات این آثار بر حاشیه کتب، نظرات و نقد و بررسی‌های خودشان را هم می‌نوشتند و اکنون این نقدها و حاشیه‌ها هم می‌توانند منابعی مهم جهت تحقیق باشند. پدر می‌خواستند با جمع‌آوری کتب اسرائیل‌شناسی نقش استعمار را در ایجاد این کشور نامشروع ثابت نماید.

سؤال: این کتابخانه اکنون چند جلد کتاب دارد؟

ج: این کتابخانه دارای دو مجموعه است: بخش قدیمی که شامل مجموعه ارزشمندتری است و بخش جدید که جمعاً حدود ۲۲۰۰۰ جلد کتاب و اقلام کتابخانه‌ای را داراست.

سؤال: اما استاد در سال‌های پیش از انقلاب در مصاحبه‌ای با مجله سپید و سیاه فرمودند مجموعه کتابخانه‌اش بالغ بر بیست هزار جلد است؟

ج: بله. درست است، اما درب کتابخانه پس از مسموم شدن استاد توسط ساواک، لاک و مهر



شده بود. و بخشی از منابع در این سال از بین رفت. خانواده پس از آن مجبور شدند برخی از منابع مهم را زیر خاک مدفون نمایند. این کتابخانه از زمان فوت استاد در سال ۵۳ تا سال ۱۳۶۲ بسته بود و پس از این سال بود که کتابخانه دوباره بازسازی و کتاب‌ها را از زیر خاک درآوردیم، اما متأسفانه برخی از کتب خطی در این میان گم شده بود.

سؤال: بازسازی مجدد کتابخانه کامبوزیا توسط دولت صورت گرفت یا خانواده؟

ج: این بازسازی توسط خانواده صورت گرفت و تا سال ۱۳۶۴ به صورت مستقل اداره می‌شد. تا این که در همین سال با نظر مدیر کل ارشاد استان سیستان و بلوچستان جناب آقای زمانی (که جا دارد در این جا از مساعدت‌های ایشان سپاسگزاری نمایم) کتابخانه کامبوزیا تحت پوشش دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور قرار گرفت. اما طبق قرارداد، بنا شد که این کتابخانه به داخل شهر منتقل نگردد و اگر قرار است هر نوع امکانات رفاهی و گسترش مکانی و تجهیزات و منابع به این کتابخانه داده شود، در همین مکان صورت پذیرد.

سؤال: براساس نتایج پژوهش پایان نامه دوره کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی خانم گیتی صدرمیرحسینی در سال ۱۳۷۲، کتابخانه کامبوزیا مهمترین و قدیمیترین و بزرگترین مجموعه کتابخانه‌ای استان سیستان و بلوچستان شناخته شده است. به نظر حضرت‌عالی غنای این کتابخانه تا چه حد مدیون خدمات بعد از انقلاب بوده است؟

ج: اگر بررسی نمایید، می‌بینید که کتابخانه بعد از انقلاب رشد خوبی نداشته است. نه از جهت



کمی و نه از جهت کیفی. اداره ارشاد سالانه فقط سیصد جلد کتاب به این کتابخانه می‌دهد و این تعدادی است که ممکن است هر فرد برای کتابخانه شخصی‌اش خریداری نماید و از نظر تجهیزات هم هر دو سال یکبار، دو قفسه به این کتابخانه می‌دهند. دور بودن این کتابخانه از شهر دلیلی شده بود که این کتابخانه که به نظر حضرت‌عالی زمانی بزرگترین و مهمترین کتابخانه استان به

حساب می‌آمد، از کتابخانه درجه دو به درجه سه تبدیل گردد و توجیه دیگر مسئولان ارشاد آن بود که این کتابخانه، کتابخانه کودکان و پابره‌هاست و از نظر فرهنگی چندان حائز اهمیت نیست. تنها کاری که ما توانستیم بکنیم آن بود که با کمک دولت راه خاکی مسیر بیابانی شهر تا کتابخانه را آسفالت نماییم و مسئولان را قانع کنیم که همان کتابخانه درجه دوم باقی بماند.

سؤال: در مجاورت کتابخانه ساختمان جدیدی در حال احداث است، آیا برای کتابخانه است؟

ج: خیر. آن ساختمان، ساختمان مهمانسرا است.

سؤال: تعداد مراجعان این کتابخانه منزوی و دور از شهر چگونه است؟

ج: درب کتابخانه به روی همه باز است، اما به زور نمی‌توان کسی را که علاقه‌ای به خواندن ندارد وارد کتابخانه کرد. کتابخانه حتی روز جمعه هم پذیرای مراجعان است. برخی برای گردش به کلاته (دهکده) کامبوزیا می‌آیند و البته به کتابخانه هم سری می‌زنند. به طور میانگین تعداد مراجعان به این کتابخانه را می‌توان روزانه ده نفر ذکر کرد. اما غیر از مراجعان عادی، محققان و اساتید دانشگاه که از غنای مجموعه‌های این کتابخانه آگاه هستند نیز به کتابخانه مراجعه می‌کنند و از آنها بهره می‌گیرند.

سؤال: کتابخانه کامبوزیا کتاب هم امانت می‌دهد؟

ج: از کتب جدید بله. اما از مجموعه قدیمی خود استاد خیر مگر در موارد خاص.

سؤال: جناب دکتر کامبوزیا آیا در کتابخانه کامبوزیا نسخه خطی هم نگهداری می‌شود؟

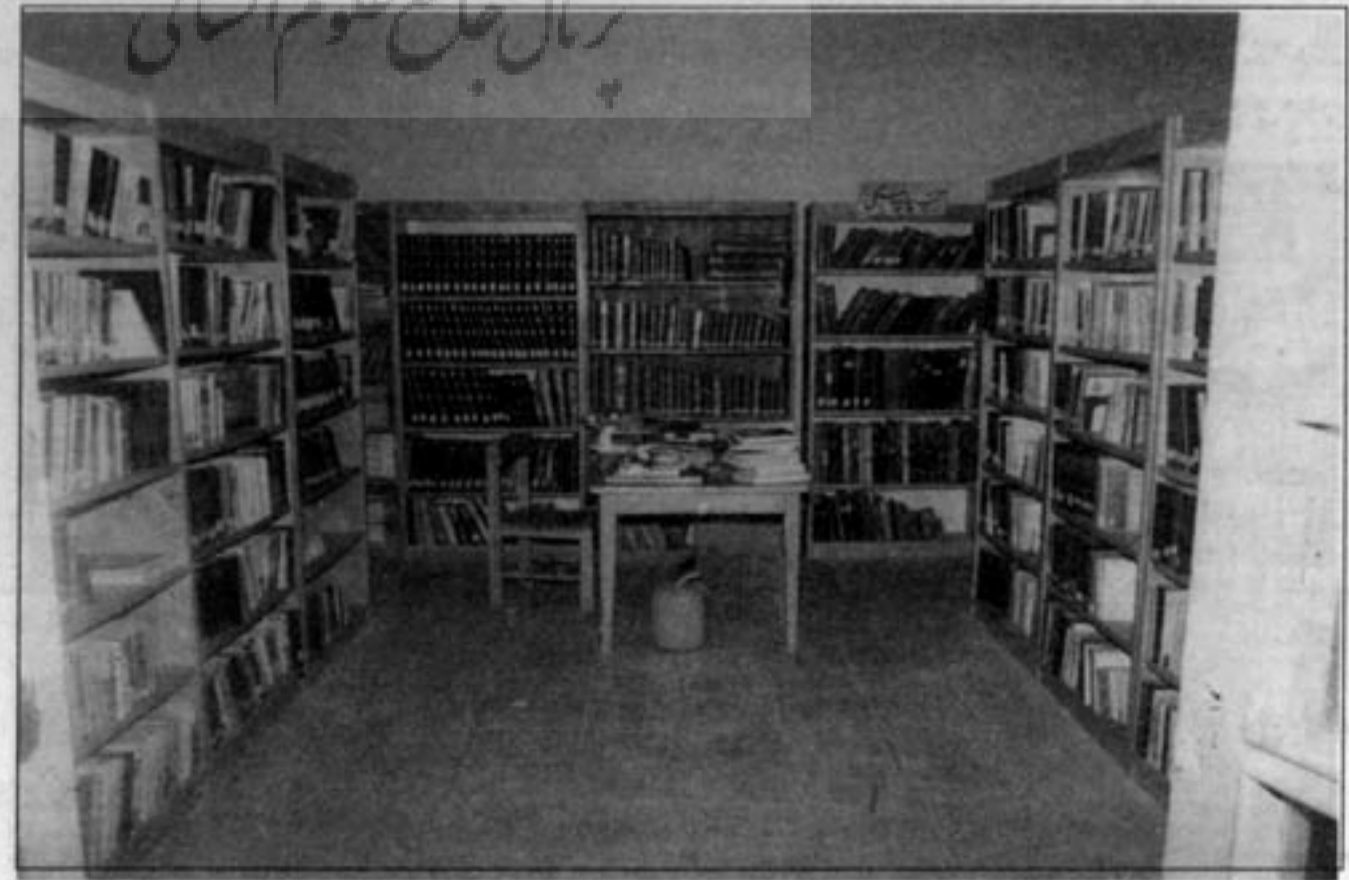
ج: قبلاً در این کتابخانه نسخ خطی بود، اما اکنون خیر. فقط یک نسخه داریم که آن هم دست خط پدر است و آن کتاب ریاض العارفین است که

چهل صفحه کتاب ناقص بوده است که خود استاد با خط خود آن را کامل کرده‌اند. و برخی حاشیه‌هایی که خود استاد بر کتاب‌ها نگاشته‌اند و یا نوشته‌هایی از ایشان که در حاشیه قرآن مجید، لغات را ریشه‌یابی کرده‌اند.

سؤال: نشریات ادواری قدیمی چگونه است؟

ج: بله. تعدادی نشریات قدیمی ادبی چون سخن، یغما، مجله دانشکده ادبیات، گفتار و... و همچنین مشروح مذاکرات مجلس که دوره کامل آن توسط کتابخانه مجلس به این کتابخانه اهدا شده است.

سؤال: جناب دکتر، سیستان و بلوچستان یکی از مناطق محروم کشور است؛ خیلی مایلیم از وضعیت کتابخانه‌های این استان بفرمایید؟



ج: از مهمترین و فعالترین کتابخانه این استان، کتابخانه عمومی زاهدان است که قبل از انقلاب تأسیس شده و تعداد قابل ملاحظه‌ای اعضا و مراجعه‌کننده دارد. در زابل، خاش، چابهار، سراوان، هر کدام یک کتابخانه عمومی قرار دارد. اگر چه از نظر استاندارد در حد پایین قرار دارند، ولی هر کدام شمعی را برای اهل دانش و تحقیق روشن نگهداشته‌اند. در زاهدان کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز جهت ارتقای فکری کودکان فعال است. به جز کتابخانه اختصاصی استاد کامبوزیا، کتابخانه شخصی دیگری به نام آقای علی نصیری که نزدیک به ده هزار جلد کتاب دارد، قابل ملاحظه است.

سؤال: بررسی‌ها نشان داده که همه این کتابخانه‌ها

حتی کتابخانه کامبوزیا از سطح کیفی خوبی برخوردار نیستند. شما چه توصیه‌ای برای بهبود وضعیت کتابخانه‌های استان دارید؟

ج: در این کتابخانه‌ها از جمله کتابخانه کامبوزیا حتی کارهای ابتدایی سازماندهی و فهرست‌نویسی در آن صورت پذیرفته است. فهرست مناسبی ندارند و با آن مفهوم نوین کتابخانه‌ها بسیار فاصله دارند. ما انتظار نداریم که این کتابخانه‌ها یک شبه ره صد ساله را طی کنند و از شکل فعلی به صورت



الکترونیکی و مجازی و غیره تبدیل شوند. اما انتظار داریم بودجه مناسبی به آنها تخصیص دهند تا خدمات‌دهی مناسبی به مردم ارائه دهند. لاقلاً فهرست آنها تهیه شود و یا به صورت رایانه‌ای سرویس‌دهی نمایند.

سؤال: جناب دکتر، به عنوان آخرین سؤال، کتابخانه کامبوزیا با بیش از نیم قرن سابقه و به عنوان بزرگترین کتابخانه استان سیستان و بلوچستان برای محققینی که احتمالاً برای بخشی از منابع اطلاعاتی خود نیاز به تصویربرداری دارند، دستگاه کپی در اختیار دارد؟

ج: متأسفانه خیر. قبلاً مناطق آزاد دستگاه کپی به این کتابخانه اهدا کرده بودند اما اداره ارشاد برای کارهای مهمتری آن را نزد خود نگهداشت.



۱. کلنل محمدتقی پسیان از ترقی‌خواهان ایران است. در سال ۱۳۰۹ ق. در تبریز در یک خانواده مهاجر ایرانی به دنیا آمد. مدرسه نظام را در تهران تمام کرد. در ۲۵ سالگی با درجه یابوری به آلمان رفت و در نیروی هوایی و زمینی به تحصیل پرداخت و چون به ایران آمد به فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب شد. قیام وی چند ماهی بیش نپایید و به تحریک مالکان و خان‌ها از پای درآمد و در قوچان زخمی شد و در سال ۱۳۰۰ ش او را به قتل رساندند و سرش را از پس بریدند

۲. صادق کرد زعفرانلو کامبوزیا، «استاد امیر توکل کامبوزیا: گنجی در کویر»، (مقاله) پیام کتابخانه، سال دهم، شماره دوم، ص. ۷۹۷۵. خانم صادق کامبوزیا، دختر مرحوم استاد کامبوزیا و کتابدار این کتابخانه می‌باشند

۳. همان، ص. ۷۸.

۴. همان، ص. ۷۸۷۷.